

نگرش به فرزندآوری: نقش سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت شناختی<sup>۱</sup>

## Attitudes toward Childbearing: the Roles of Islamic lifestyle and Demographic Characteristics

سیده زینب رضوانی دیوکلائی<sup>۲</sup>

حسین رضائیان بیلندی<sup>۳</sup>

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت شناختی در پیش بینی نگرش به فرزندآوری انجام شد. طرح پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. بدین منظور 360 نفر از جامعه دانشجویان و طلاب متاهل شهر قم در سال تحصیلی 1395-1396 به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب به پرسش‌نامه‌های سبک زندگی اسلامی (ILST)، نگرش به فرزندآوری و جمعیت شناختی پاسخ دادند. در تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین تحصیلات و طبقه اجتماعی با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط مثبت و بین شغل و میزان درآمد با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط منفی وجود دارد. از بین همه متغیرهای جمعیت شناختی تنها بین طبقه اجتماعی اقتصادی با نگرش مثبت به فرزندآوری ارتباط منفی بدست آمد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام نشان داد که مولفه‌های روشنفکری منفی، دنیاخواهی، نوع دوستی، گنجهکاری و طبقه اجتماعی اقتصادی به خوبی می‌توانند نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری را پیش‌بینی نمایند. این یافته‌ها نقش مهم و زمینه‌ای سبک زندگی اسلامی و باورهای مذهبی را در پیش‌بینی نگرش به فرزندآوری نشان می‌دهد.

**کلید واژگان:** فرزندآوری، نگرش به فرزندآوری، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی.

### Abstract

This study was accomplished with the purpose of investigating the roles of Islamic lifestyle and demographic characteristics in predicting attitudes toward childbearing. The study was a descriptive research with a correlational design: A sample of 360 respondents selected from university and seminary students of Qum city (Iran) in educational year 1395-1396 (H.) through a systematic random sampling and they completed three questionnaires: Islamic Lifestyle Test (ILST), Attitude Toward Childbearing Test, and Demographic Characteristics Questionnaire.

1. این پژوهش با حمایت معاونت پژوهش جامعه الزهرا (س) انجام شده است.  
2. دانش‌آموخته سطح 3 تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهرا (س) و کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی. تهران. [goleeee@chmail.ir](mailto:goleeee@chmail.ir)  
3. کارشناس ارشد روانشناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم. ( نویسنده مسئول) [h.rezaeiyan60@gmail.com](mailto:h.rezaeiyan60@gmail.com)

Correlation coefficients and stepwise regression analyses were used in analyzing collected data. Correlation analyses revealed positive relationships between respondents' education level and their social class with their negative attitudes toward childbearing, in addition to negative relationships between their employment status and income level with negative attitude toward childbearing. Results of stepwise multiple regression analyses indicated that four components of 'negative enlightenment', 'worldliness', 'altruism', and 'sinfulness', and socio-economic class are good predictors of positive and negative attitudes toward childbearing. These findings reveal the importance of the introductory roles of Islamic lifestyle and religious believes in predicting people's attitudes toward childbearing.

**Key words:** Childbearing, attitude toward childbearing, lifestyle, Islamic lifestyle.

#### مقدمه :

در آموزه‌های دینی یکی از حکمت‌های مهم تشکیل خانواده و آفرینش انسان در قالب زن و مرد، تولید و بقای نسل (شوری، 11) معرفی شده است (طباطبایی، 1417). قرآن کریم فرزند را برای انسان مایه امید (نحل، 73)، نور چشم (فرقان، 74 و قصص، 9)، نعمت الهی، هدیه الهی، باعث آسودگی خاطر و شادی (قصص، 13)، باعث قوت قلب (نوح، 12) و شگفتگی (ابراهیم، 40) می‌داند و در آموزه‌های روایی نیز از فرزند با تعبیرهایی همچون صدقه جاری (نوری، 1408)، ثمره زندگی و ثمره وجود انسان (حرعاملی، 1409)، گلی از گل‌های بهشت (مجلسی، 1403)، بهترین نعمت (نوری، 1404) و باعث خیر و برکت (متقی، 1409) یاد شده است.

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد جامعه ایران از دیرباز همواره به عنوان یک جامعه خانواده‌مدار مطرح و در آن توجه فراوان به مقوله فرزندآوری مطلوب بوده است (مدیری، 1394). با این وجود امروزه و در دهه‌های اخیر کاهش باروری<sup>4</sup> به یکی از مشکلات جهانی بالاخص در کشورهای توسعه یافته از جمله ایران تبدیل شده است. نتایج آخرین گزارش از سرشماری سال 1395، کاهش نرخ رشد جمعیت کشور به 1/24 درصد را نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران، 1396). برخی از پژوهش‌های انجام شده در نقاط مختلف کشور نیز، حاکی از افزایش الگوی تک فرزندی و عدم تمایل بیش از 60 درصد از زنان به فرزندآوری است (حسینی، ترابی و بیگی، 1393). این موضوع نگرانی‌های زیادی را به ویژه برای سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران جهت درک علل کاهش باروری به وجود آورده است (نفیسی، ضرغامی و شیرینی، 1396).

از دیدگاه صاحب‌نظران مسئله باروری و گرایش به فرزندآوری با آگاهی‌های زنان و مردان و نوع نگرش آنها به فرزندآوری ارتباط عمیقی دارد. نگرش به معنای آمادگی فکری و روانی افراد که بر اساس تجربه‌ای سازمان یافته شکل می‌گیرد و پاسخ فرد به موقعیت‌های مختلف را هدایت می‌کند، تعریف می‌شود (کاوه فیروز، زارع و شمس‌الدینی، 1395). نگرش و رغبت به فرزند به عنوان یکی از وقایع مهم زندگی زناشویی می‌تواند بسیاری از مسائل دیگر از جمله سلامت و بهداشت روان، وضعیت اقتصادی، رفاه و کارآمدی خانواده را تحت تأثیر قرار دهد.

---

<sup>4</sup> Fertility decrease

پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که اندیشه فرزندآوری یکی از فرایندهای زیربنایی در تحکیم خانواده است. در همین راستا ماکسول<sup>5</sup> و مونت گمری<sup>6</sup> (1969) در بررسی‌های خود نشان دادند که اندیشه فرزندآوری در ایجاد آرامش و کارآمدی خانواده نقش مهمی دارد. فروبل<sup>7</sup>، شورتس<sup>8</sup>، الیزابت پی بادی<sup>9</sup>، مونته سوری<sup>10</sup> نیز از جمله افرادی هستند که بر اهمیت نقش فرزند در پایداری خانواده تأکید کرده‌اند (برنارد، 1369). ویلیام سیرز (1991) نیز در پژوهش‌های نظام‌مندی که درباره‌ی تأثیرات مثبت فرزند در خانواده انجام داد، به این نتیجه رسید که نگرش مثبت به فرزندآوری، در بهداشت روانی خانواده و ادراک و نیز نگرش‌های عاطفی همسران به هم و به فرزندان از اهمیت خاصی برخوردار است.

در نگرش مثبت به فرزندآوری و رویکرد اسلام‌گرایانه، تشکیل خانواده و فرزندآوری نه تنها باعث بروز مشکلات معیشتی در خانواده نمی‌شود، بلکه در پرتو ازدواج و فرزندآوری وعده توسعه رزق و افزایش برکت و روزی (حرعاملی، 1409) داده شده است. همچنین در آموزه‌های دینی از کمبود رزق و برکت در خانه‌ای سخن به میان آمده است که خالی از فرزند باشد (پاینده، 1382). بنابراین در فرهنگ اسلامی، فرزند از بهترین و ارزشمندترین جایگاه بهره‌مند است و فرزندآوری یک مسئولیت خطیر و وظیفه دینی تلقی می‌شود. والدین به این وظیفه نگاه تقدس‌گونه دارند و در برابر آن با کمال وجود آمادگی پیدا می‌کنند (بشیری، 1388).

در مقابل و به موازات گسترش نگرش‌های فردگرایانه مادی، فرزندآوری که زمانی تدبیری برای توسعه کمی خانوار افزون بر توان اقتصادی خانواده و برخورداری از نیروی کار ارزان و قابل اتکا تلقی می‌شد، جای خود را به این نوع نگرش داده که هر فرزندی که به نهاد خانواده افزوده می‌شود، همچون موجودی هزینه‌بر و سرمایه‌سوز عمل می‌کند که داشته‌ها و آورده‌های اقتصادی خانوار را می‌بلعد. در این دیدگاه کودکان، دیگر نیرویی در خدمت و یاری اقتصاد خانواده نیستند، بلکه عاملی برای اتلاف منابع مادی قلمداد می‌شوند که سالیان سال نه تنها درآمدی کسب نمی‌کنند، بلکه هزینه‌هایی بر اقتصاد خانواده می‌افزایند (رسول‌زاده اقدم، افشار، عدلی‌پور و میرمحمدتبار، 1395). پیامد این نوع نگرش، کاهش تعداد فرزندان و تبدیل شدن آنان به عاملی موثر در کاهش رضایت زناشویی و همچنین موجب افزایش خانواده‌های بدون فرزند در جوامع صنعتی شده است (بستان، 1390).

نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که گرایش به فرزندآوری، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. در حالی که در گذشته بیشتر جمعیت‌شناسان بر عوامل اقتصادی و زیست‌شناختی تأکید می‌کردند و نسبت به عوامل فرهنگی کم توجه و یا بی‌توجه بودند، در سال‌های اخیر توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی در تبیین باروری و گرایش به فرزندآوری ایفا کرده است (رسول‌زاده اقدم و همکاران، 1395). روانشناسان اجتماعی نیز معتقدند نگرش فرد نسبت به فرزندآوری به صورت ناگهانی و بدون هیچ‌گونه فعل و انفعالاتی شکل نمی‌گیرد، بلکه اتخاذ و شکل‌گیری هر نوع نگرشی برای افراد، می‌تواند نتیجه عوامل مختلف و در طول زمان باشد.

مرور مطالعات مرتبط با نگرش به فرزندآوری در ایران نشان می‌دهد کاهش باروری در دهه‌های اخیر پیوند نزدیکی با عوامل ساختاری و نوسازی نظیر افزایش شهرنشینی و تحصیلات زنان (عباسی شوازی، مکدونالد و حسینی چاووشی،

<sup>5</sup> Maxwell.

<sup>6</sup> Montgomery

<sup>7</sup> Froebel

<sup>8</sup> Schurts.

<sup>9</sup> Peabody.

<sup>10</sup> Montessori.

2009) تحولات خانواده (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، 1384) تغییر ارزش فرزند (رازقی نصرآباد و سرایی، 1393) تغییر الگوی فرزندآوری (عباسی شوازی و مکدونالد و حسینی چاووشی، 2009) و افزایش استقلال زنان (عباسی شوازی و خواجه صالحی، 1392؛ عباسی شوازی و علی‌مندگاری 1389؛ قدرتی، بوستانی، قدرتی و کلالی، 1392) دارد.

رابطه بین سواد و آموزش و بالارفتن سطح آگاهی‌های عمومی به ویژه در میان زنان و تأثیر آن بر سطح و کیفیت فرزندآوری در پژوهش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که زنان باسواد دیرتر ازدواج می‌کنند، با فاصله بیشتری از ازدواج به اولین تولد می‌رسند و فرزندان کمتری را به دنیا می‌آورند. همچنین مطالعاتی که در زمان ازدواج و زمان تولد اولین فرزند در ایران انجام شده، نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات، یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده زمان وقوع این پدیده‌ها هستند و دسترسی بیشتر زنان به تحصیلات، به عنوان یک عامل اساسی تأخیر در زمان تشکیل خانواده و نگرش به فرزندآوری مطرح است (عباسی شوازی و همکاران، 1389). در مطالعه‌ی شوازی و خواجه صالحی (1392) در سیرجان نیز، تحصیلات زنان و مشارکت اجتماعی آنان نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین تغییرهای متغیر تمایل به فرزندآوری داشت؛ به گونه‌ای که با افزایش این دو عامل، تمایل به فرزندآوری کاهش یافته بود.

نتایج پژوهش‌ها در رابطه با موضوع اشتغال و نقش آن بر نگرش به فرزندآوری متفاوت است. در حالی که برخی از بررسی‌ها نشان می‌دهد وضعیت اشتغال زوج‌ها تفاوتی در نگرش آنها نسبت به تعداد مورد دلخواه فرزند ایجاد نمی‌کند (مطلق، طاهری و اسماعیلی، 1394؛ حسینی و بیگی، 1391؛ عنایت و پرینان، 1392)؛ تحقیقات دیگر حاکی از اثر معنادار اشتغال بر کاهش باروری بوده است (اوهرلر و فیلیپو<sup>11</sup>، 2005). در همین راستا اسحاقی، محبی، پاپی‌نژاد و جهاندار (1393) در پژوهش خود نشان دادند که زنان شاغل با چالش‌های برون‌شغلی و درون‌شغلی مواجه می‌شوند که آنها را به سمت نگرش به سمت کم‌فرزندآوری سوق می‌دهد. در رابطه با متغیرهای دیگر جمعیت شناختی، پژوهش نفیسی و همکاران (1393) نشان داد که جنسیت رابطه معناداری با نگرش مثبت به فرزندآوری و تعداد فرزندان دلخواه دارد و میزان این دو برای مردان بیشتر است. همچنین بررسی‌ها نشان داد که افراد با تعداد خواهر و برادر بیشتر، تمایل بیشتری به فرزندآوری دارند و در این زمینه از نگرش مثبت‌تری برخوردارند.

نگرش‌های افراد نسبت به فرزندآوری لزوماً اجتماعی و بر اساس تفاوت‌های تحصیلی، شغلی، جنسیت و دیگر متغیرهای جمعیت‌شناختی نیست، بلکه می‌تواند متأثر از باورها، ارزش‌ها، هنجارها، عواطف، احساسات و رفتارهای افراد در مورد فرزندآوری و به صورت کلی سبک زندگی آنان باشد. سبک زندگی الگوی بی‌مانند فکر، احساس و عملی است که منحصر به همان فرد است و بیانگر شرایطی است که تمام تجلی‌های خاص را باید در نظر گرفت (شولمن و موزاک، 1999؛ پاورز<sup>12</sup> و گریفث<sup>13</sup>، 2007). به عبارت دیگر گستره سبک زندگی شامل «مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان یافته که متأثر از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند»؛ می‌شود (شریفی، 1391). دین یکی از مهم‌ترین و بلکه از برخی جهت‌ها بی‌بدیل‌ترین نظام معنایی است که در ساخت سبک زندگی نقش تعیین‌کننده دارد. بر همین اساس می‌توان «سبک زندگی اسلامی» را نوعی از سبک زندگی دانست که مهم‌ترین ویژگی آن، برخاسته بودن از آموزه‌های اسلامی و کلیت اسلام است (کاویانی، 1392). سبک زندگی اسلامی به معنای روش و شیوه نسبتاً ثابت (در رفتار، احساس و شناخت) است که فرد برای رسیدن به هدف با

<sup>11</sup> ühler C & Philipov D.

<sup>12</sup> Powers, R.L

<sup>13</sup> Griffith, J

مبنا قرار دادن اسلام به کار می‌گیرد (مهدی‌زاده، بوالهروی و کاویانی آرانی، 1396). در سبک زندگی اسلامی، عمق اعتقادات، عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی‌شود بلکه رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد باید شناخت‌ها و عواطف را نیز در برگیرد (کاویانی آرانی، 1392)

مؤلفه‌های شناخته شده سبک زندگی در دنیای علمی امروز عبارت است روابط اجتماعی، خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش و غیره که هر یک به منزله بزرگرایی از راههای زندگی افراد شمرده می‌شود (کاویانی، 1390). توانایی معناسازی و معنادهی اسلام، به سبک زندگی و ارائه چارچوب برای تفسیر پدیده‌ها و وقایع از کنش‌های شناختی دین است. در این راستا سبک زندگی اسلامی می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر هنجارهای مختلف مربوط به تعداد افراد خانواده، تعداد فرزندان، سن ازدواج و باروری را تحت تأثیر قرار دهد (محمودیان و نوبخت، 2007). تحلیل‌های چند متغیره نیز نشان داده که قصد فرزندآوری متأثر از پایبندی به باورهای دینی است و این تأثیر در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی نیز باقی بوده است. همچنین با وجود این‌که میزان دینداری زنان بیشتر از مردان به دست آمده بود، اما نگرش به فرزندآوری در زنان و مردان تقریباً با شدت یکسانی متأثر از دینداری گزارش شد (مدیری و رازقی نصرآباد، 1394). همچنین مطالعه‌ی اجاقلو و سرایی (2014) نیز این رابطه را تایید کرد و نشان داد که دینداری و ارزش فرزند با هم ارتباط مستقیم مثبتی دارند. به عبارتی دیگر، با تقویت دینداری، نگرش نسبت به فرزندآوری نیز بهتر می‌باشد.

مرور پیشینه مذکور، علاوه بر این‌که رابطه متغیرهای ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سبک زندگی اسلامی را به صورت کلی تایید می‌کند، کمبود و نقص ادبیات علمی موجود را نیز در دو جهت روشن می‌سازد: نخست آن‌که پژوهش‌های انجام شده، تلقی یکسانی از نقش باورهای دینی در نگرش به فرزندآوری ارائه نداده‌اند و در تعریف و سنجش آن نیز نوعی تقلیل‌گرایی و تأثیرپذیری از الگوهای غیروومی وجود دارد. دوم این‌که بیشتر تحقیقات، با رویکردی جامعه‌شناسانه به رابطه صرف باروری با مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای، محدود شده و مطالعه بومی که با رویکرد روانشناختی و دینی نقش سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی را در پیش‌بینی نگرش به فرزندآوری مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد. بنابراین هدف از پژوهش حاضر رفع کمبود و نقص ادبیات علمی موجود و پاسخ به این سوال است که آیا بین سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با دو نوع نگرش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد؟ و اینکه هر یک از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی چه نقشی در پیش‌بینی نگرش به فرزندآوری افراد دارند؟

## **2. روش اجرای پژوهش**

### **2-1. روش پژوهش**

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است.

### **2-2. جامعه و نمونه آماری**

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان و طلاب متاهل شهر قم در سال تحصیلی 1395-1396 بودند که از میان آنها 360 نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و از آنها خواسته شد تا پرسشنامه‌های مربوطه را تکمیل نمایند.

## 2-3. ابزار

1-3-2. پرسشنامه سبک زندگی اسلامی (ILST)<sup>14</sup>: این آزمون توسط کاویانی (1388) جهت سنجش سبک زندگی یک فرد مسلمان ساخته شده و دارای فرم بلند (135 سوالی) و فرم کوتاه (75 سوالی) است. آزمودنی باید با توجه به وضعیت فعلی زندگی خود به هر آیت در یک طیف چهار درجه‌ای از «خیلی کم تا خیلی زیاد» پاسخ دهد. نمرات واقعی سوالات یکسان نیست بلکه ضریب‌های یک تا چهار دارند (کاویانی، 1392، ص 341). نمره کل آزمودنی در فرم کوتاه، حداقل 75 و حداکثر 300 خواهد بود. پایایی پرسشنامه به شیوه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای کل پرسشنامه فرم بلند 0/786 و برای فرم کوتاه آن 0/71 گزارش شده است. روایی همزمان آن با آزمون جهت‌گیری مذهبی 0/64 به دست آمده و میان همه مولفه‌های آزمون سبک زندگی اسلامی با نمره کل آن همبستگی وجود دارد. در این پژوهش از فرم کوتاه آن استفاده شده است. فرم کوتاه این آزمون دارای نه خرده‌مقیاس است که عبارتند از: 1- روشن‌فکری منفی که وجه مشترک پرسش‌های آن این است که گویا فرد بیش از آنکه تعبد دینی داشته باشد به باورهای ناصحیح اجتماعی-فرهنگی دل داده است، 2- نوع دوستی که وجه مشترک گویه‌های آن آزمودنی را نوع دوست معرفی می‌کند، 3- لذت‌خواهی که وجه مشترک سوال‌های آزمودنی را فردی لذت‌خواه معرفی می‌کند، 4- کم‌همتی وجه مشترک گویه‌های آن آزمودنی فردی تنبل و کم‌انگیزه معرفی می‌کند، 5- اجتماعی، 6- عبادی، 7- ویژگی‌های درونی، 8- دنیاخواهی که گویه‌های آزمودنی را دنیاطلب معرفی می‌کند و 9- گنجه‌کاری که وجه مشترک سوالات آن این است که آزمودنی را دنیاطلب معرفی می‌کند (کاویانی، 1391).

2-3-2. پرسشنامه نگرش به فرزندآوری: این آزمون توسط شمس‌الدینی (1394) جهت سنجش نگرش به فرزندآوری ساخته شده و دارای 42 گویه است. آزمودنی باید با توجه به باورهای خود نسبت به فرزندآوری و تعداد فرزندان به هر آیت در یک طیف پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم پاسخ دهد. در این پرسشنامه جهت سوالات یکسان نیست و گویه‌ها در دو بعد منفی و مثبت طراحی و تدوین شده است. نمره کل آزمودنی بین 52 تا 157 می‌باشد. کاوه فیروز و همکاران (1395) پایایی پرسشنامه به شیوه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای کل پرسشنامه را 0/812 گزارش کرده‌اند. میان همه گویه‌های آزمون با نمره کل آن همبستگی قابل قبولی بدست آمده است.

3-3-2. پرسشنامه جمعیت شناختی: این پرسشنامه محقق ساخته با توجه به اهداف تحقیق در 18 سوال طراحی شده و اطلاعاتی در زمینه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مربوط به جنس، سن، مدت ازدواج، میزان تحصیلات، شغل، وضعیت اقتصادی، میزان درآمد، ترتیب تولد، تعداد برادران و خواهران و تعداد فرزندان را مورد سنجش قرار می‌دهد. همچنین سوالاتی در رابطه با برخی ویژگی‌های جمعیت شناختی همسران نیز در آن گنجانده شده است.

## 3. یافته‌های پژوهش

نمونه مورد مطالعه، شامل 360 نفر (216 زن و 144 مرد) آزمودنی بود که میانگین سنی آنها 30/57 با انحراف معیار 6/80 به دست آمد و به طور میانگین 8/85 سال از زمان ازدواج آنان گذشته بود. از نظر تحصیلات 25 نفر (6/9 درصد) فوق دیپلم، 83 نفر (23/1 درصد) لیسانس، 34 نفر (9/4 درصد) فوق لیسانس، 2 نفر (0/6 درصد) دکتری، 30 نفر (8/3 درصد) سطح یک حوزه، 108 نفر (30/0 درصد) سطح دو حوزه، 67 نفر (18/6 درصد) سطح سه حوزه و 11 نفر (3/1 درصد) سطح چهار حوزه بودند. در رابطه با میزان درآمد 217 نفر (60/3 درصد) درآمدی زیر 1 میلیون تومان، 103 نفر (28/6 درصد) درآمدی بین 1 تا 2 میلیون تومان، 28 نفر (7/8 درصد) درآمدی بین 2 تا 3 میلیون تومان و 12 نفر (3/3 درصد) درآمدی بیشتر از 3 میلیون تومان در ماه داشتند. در رابطه با تعداد فرزند نیز 133 نفر (31/4 درصد) بدون

<sup>14</sup>Islamic Life Style Test

فرزند، 84 نفر (23/3 درصد) دارای یک فرزند، 98 نفر (27/2 درصد) دارای دو فرزند، 53 نفر (14/7 درصد) دارای سه فرزند و 12 نفر (3/3 درصد) دارای 4 یا 5 فرزند بودند. تعداد خواهران و برادران 94 نفر (26/1 درصد) 2 و کمتر از آن، 177 نفر (49/2 درصد) بین 3 تا 5 و 89 نفر (24/7 درصد) بیش از 6 بدست آمد. نتایج مربوط به همبستگی بین متغیرهای جمعیت شناختی و نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری در جدول 1 ارائه شده است.

جدول 1: ماتریس همبستگی متغیرهای جمعیت شناختی و نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری

11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
										1	1- جنسیت
									0.19**	1	2- سن
								0.84**	-0.03	1	3- مدت ازدواج
							0.15**	0.19**	0.31**	1	4- تحصیلات
						1	-0.79**	-0.07	-0.08	-0.35**	5- شغل
					1	0.25**	-0.25**	0.01	0.00	-0.24**	6- طبقه اجتماعی اقتصادی
				1	0.53**	0.35**	-0.31**	0.21**	0.27**	-0.10	7- میزان درآمد
			1	0.09	-0.04	-0.12*	0.19*	0.72**	0.65**	0.06	8- تعداد فرزندان
		1	0.37**	-0.00	0.01	-0.06	0.12*	0.34**	0.39**	0.04	9- تعداد خواهر و برادر
	1	0.08	0.06	-0.14**	0.11*	-0.13*	0.12*	0.03	0.02	-0.01	10- نگرش منفی
1	-0.49**	0.06	0.04	-0.08	-0.17**	-0.02	0.01	-0.00	-0.01	-0.02	11- نگرش مثبت

\*\*p<0/01 \*p< 0/05

طبق ماتریس همبستگی، بین تحصیلات و طبقه اجتماعی با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط مثبت و معنادار و بین شغل و میزان درآمد با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. جنسیت، سن، مدت ازدواج، تعداد فرزندان و تعداد خواهر و برادر از متغیر جمعیت شناختی با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط معناداری ندارد. از بین همه متغیرهای جمعیت شناختی تنها بین طبقه اجتماعی اقتصادی با نگرش مثبت به فرزندآوری ارتباط منفی و معنادار بدست آمد. نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای مولفه های سبک زندگی اسلامی و نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری در جدول 2 ارائه شده است.

جدول 2: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی مولفه های سبک زندگی اسلامی و نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری

11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
										1	1- روشنفکری منفی
									-0.25**	1	2- ویژگیهای درونی
								1	0.37**	-0.07	3- عبادی
							1	-0.08	-0.10*	0.41**	4- دنیاخواهی
						1	-0.01	0.50**	0.56**	-0.07	5- اجتماعی
					1	-0.18**	0.41**	-0.22**	-0.29**	0.37**	6- گنهکاری
				1	0.55**	-0.23**	0.41**	-0.24**	-0.26**	0.33**	7- لذت خواهی
			1	0.52**	0.44**	-0.26**	0.25**	-0.19**	-0.27**	0.35**	8- کم همتی
		1	0.09	0.03	0.07	0.49**	0.11*	0.37**	0.26**	0.17**	9- نوع دوستی
	1	-0.09	0.16**	0.26**	0.31**	-0.13*	0.39**	-0.17**	-0.17**	0.40**	10- نگرش منفی
1	-0.49**	0.00	-0.03	-0.17**	-0.21**	0.00	-0.21**	-0.00	0.01	-0.16**	11- نگرش مثبت
139/13	74/60	21/86	34/31	29/85	42/19	31/80	55/35	38/07	36/79	55/32	M
11/10	11/22	3/19	5/52	5/50	7/86	7/32	10/27	8/19	9/83	7/65	SD

\*\*p<0/01 \*p< 0/05

جدول 2 نشان می‌دهد که بیشترین سطح بین شرکت‌کنندگان در نگرش به فرزندآوری مربوط به نگرش مثبت به فرزندآوری و در خرده مقیاس‌های سبک زندگی اسلامی در روشنفکری منفی و دنیاخواهی می‌باشد. طبق ماتریس همبستگی بین روشنفکری منفی، دنیاخواهی، گنهکاری، لذت خواهی و کم همتی با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ارتباط بین خرده مقیاس ویژگیهای درونی، عبادی و اجتماعی با نگرش منفی به فرزندآوری نیز منفی و معنادار بود. همچنین نتایج نشان می‌دهد خرده مقیاس‌های روشنفکری منفی، دنیاخواهی، گنهکاری و لذت خواهی با نگرش مثبت به فرزندآوری دارای ارتباط منفی و معنادار می‌باشد. به منظور تعیین سهم هر یک از خرده مقیاس‌های سبک زندگی اسلامی و جمعیت شناختی در پیش‌بینی نگرش منفی به فرزندآوری از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر آمده است:

جدول 3: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام مربوط به نگرش منفی به فرزندآوری از طریق متغیر جمعیت شناختی و مولفه‌های سبک زندگی اسلامی

شاخص	مجموع مجزورات	Df	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	R	$R^2$	ضریب تبیین	خطای برآورد
1	رگرسیون	1	7407/512	70/147	0/0001	0/405	0/164	0/162	10/276
	باقیمانده	358	105/599						
2	رگرسیون	2	5115/340	52/204	0/0001	0/476	0/226	0/222	9/898
	باقیمانده	357	97/987						
3	رگرسیون	3	3898/568	41/409	0/0001	0/509	0/259	0/252	9/702
	باقیمانده	356	94/147						
4	رگرسیون	4	3034/549	32/572	0/0001	0/518	0/268	0/260	9/562
	باقیمانده	355	93/166						

نتایج جدول 3 نشان داد که روشنفکری منفی قوی‌ترین رابطه را با نگرش منفی به فرزندآوری دارد ( $R=0/40$ ,  $P=0/0001$ ,  $F=70/147$ ,  $df=1$ ). این متغیر 16 درصد از میزان نگرش منفی به فرزندآوری را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله بعد با اضافه شدن دنیاخواهی، ضریب همبستگی به 0/47 و ضریب تبیین به 22 درصد ارتقا یافت. در گام سوم و با اضافه شدن نوع دوستی نیز ضریب همبستگی 0/50 و ضریب تبیین 0/25 به دست آمد. در نهایت در گام چهارم و با اضافه شدن گنهکاری ضریب همبستگی 0/51 و ضریب تبیین 0/26 به دست آمد. این بدان معنا است که روشنفکری، دنیاخواهی، نوع دوستی و گنهکاری در مجموع 26 درصد از واریانس نگرش منفی به فرزندآوری را تبیین می‌کنند.

جدول 4: شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به نگرش منفی به فرزندآوری

شاخص متغیر	ضریب غیراستاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	41/778	1/485		10/558	0/000
روشنفکری منفی	0/593	0/071	0/405	8/375	0/000



0/000	8/488		4/052	34/395	مقدار ثابت
0/000	5/692	0/291	0/075	0/427	روشنفکری منفی
0/000	5/368	0/275	0/056	0/300	دنياخواهی
0/000	9/341		4/879	45/569	مقدار ثابت
0/000	6/301	0/319	0/074	0/468	روشنفکری منفی
0/000	5/673	0/285	0/055	0/311	دنياخواهی
0/000	-3/945	-0/183	0/163	-0/643	نوع دوستی
0/000	8/682		4/975	43/188	مقدار ثابت
0/000	5/599	0/291	0/076	0/427	روشنفکری منفی
0/000	4/742	0/249	0/057	0/272	دنياخواهی
0/000	-3/957	-0/183	0/162	-0/642	نوع دوستی
0/030	2/179	0/113	0/074	0/161	گنهکاری

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد روشنفکری منفی ( $P < 0/0001$ ،  $B = 0/291$ )، دنیاخواهی ( $B = 0/249$ )، و گنهکاری ( $P < 0/0001$ ،  $B = 0/113$ ) به صورت مثبت و نوع دوستی ( $P < 0/030$ ،  $B = -0/183$ ) به صورت منفی توانسته‌اند نگرش منفی به فرزندآوری را پیش‌بینی نمایند. بر اساس ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در روشنفکری منفی میزان نگرش منفی به فرزندآوری 0/291 واحد، به ازای یک واحد افزایش در دنیاخواهی میزان نگرش منفی به فرزندآوری 0/249 واحد و به ازای یک واحد افزایش در گنهکاری، نگرش منفی به فرزندآوری 0/113 واحد افزایش و به ازای یک واحد افزایش در نوع دوستی میزان نگرش منفی به فرزندآوری 0/183 واحد کاهش یافت. بنابراین با توجه به این یافته‌ها از میان چهار متغیر پیش‌بین معنادار، روشنفکری منفی با قدرت بیشتری می‌تواند نگرش منفی به فرزندآوری را پیش‌بینی کند. به منظور تعیین سهم هر یک از خرده مقیاس‌های سبک زندگی اسلامی و جمعیت شناختی در پیش‌بینی نگرش مثبت به فرزندآوری از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر آمده است:

جدول 5: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام مربوط به نگرش مثبت به فرزندآوری از طریق متغیر جمعیت شناختی و مولفه

های سبک زندگی اسلامی

شاخص مدل	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	$R^2$	ضریب تبیین	خطای برآورد
1	2016/652	1	2016/652	17/097	0/0001	0/213	0/046	0/043	10/860
	42226/948	358	117/952						
2	3217/785	2	1608/893	14/000	0/0001	0/270	0/073	0/068	10/719
	41025/815	357	114/918						
3	4020/538	3	1340/179	11/861	0/0001	0/301	0/091	0/083	10/629
	40223/062	356	112/986						

نتایج جدول 5 نشان داد که گنجهکاری قوی‌ترین رابطه را با نگرش مثبت به فرزندآوری دارد ( $P=0/0001$ ,  $R=0/21$ ,  $df=1$ ),  $F=17/097$ . این متغیر 4 درصد از میزان نگرش مثبت به فرزندآوری را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله بعد با اضافه شدن طبقه اجتماعی اقتصادی، ضریب همبستگی به  $0/27$  و ضریب تبیین به 6 درصد ارتقا یافت. در گام سوم و با اضافه شدن دنیاخواهی نیز ضریب همبستگی  $0/30$  و ضریب تبیین  $0/08$  به دست آمد. این بدان معنا است که گنجهکاری، طبقه اجتماعی اقتصادی و دنیاخواهی در مجموع 8 درصد از واریانس نگرش مثبت به فرزندآوری را تبیین می‌کنند.

جدول 6: شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به نگرش مثبت به فرزندآوری

شاخص متغیر	ضریب غیراستاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	151/851	3/128		48/539	0/000
گنجهکاری	-0/301	0/073	-0/213	-4/135	0/000
مقدار ثابت	157/498	3/548		44/394	0/000
گنجهکاری	-0/285	0/072	-0/202	-3/954	0/000
طبقه اجتماعی اقتصادی	-2/061	0/638	-0/165	-3/233	0/001
مقدار ثابت	162/686	4/020		40/466	0/000
گنجهکاری	-0/197	0/079	-0/140	-2/505	0/013
طبقه اجتماعی اقتصادی	-2/067	0/632	-0/166	-3/270	0/001
دنیا خواهی	-0/160	0/060	-0/148	-2/665	0/008

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد گنجهکاری ( $B=-0/140$ ,  $P<0/0001$ )، طبقه اجتماعی اقتصادی ( $B=-0/166$ )،  $P<0/001$ ،  $B=-0/148$ ) و دنیاخواهی ( $P<0/01$ ) به صورت منفی توانسته‌اند نگرش مثبت به فرزندآوری را پیش‌بینی نمایند. بر اساس ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در گنجهکاری میزان نگرش مثبت به فرزندآوری  $0/140$  واحد، به ازای یک واحد افزایش در طبقه اجتماعی اقتصادی میزان نگرش مثبت به فرزندآوری  $0/166$  واحد و به ازای یک واحد افزایش در دنیاخواهی میزان نگرش مثبت به فرزندآوری  $0/148$  واحد کاهش یافت. بنابراین با توجه به این یافته‌ها از میان سه متغیر پیش‌بین معنادار، طبقه اجتماعی اقتصادی با قدرت بیشتری می‌تواند نگرش مثبت به فرزندآوری را پیش‌بینی کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سبک زندگی اسلامی در پیش‌بینی نگرش به فرزندآوری بود. یافته‌ها نشان داد بین تحصیلات و طبقه اجتماعی با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط مثبت و معنادار و بین شغل و میزان درآمد با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. ارتباط بین جنسیت، سن، مدت ازدواج، تعداد فرزندان و تعداد خواهر و برادر از متغیر جمعیت‌شناختی با نگرش منفی به فرزندآوری معنادار نبود و از بین همه متغیرهای جمعیت‌شناختی تنها بین طبقه اجتماعی اقتصادی با نگرش مثبت به فرزندآوری ارتباط منفی و معناداری بدست آمد و نقش پیش‌بینی‌کنندگی آن تایید شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های متعدد، از جمله مطلق و همکاران (1395)، کشاورز، حقیقتیان و توسلی (1392)، رزاقی نصرآباد (1393)، نفیسی (1393) که همگی مشکلات اقتصادی را از دلایل مهم نگرش منفی به

فرزندآوری عنوان کرده‌اند؛ پژوهش‌های ایمان، گلی و زارع (1394)، شوازی و خواجه صالحی (1392) و موسوی و همکاران (1392) که حاکی از نقش تعیین‌کننده تحصیلات در تبیین تغییرات نگرش به فرزند آوری بودند؛ و بررسی‌های ایمان و همکاران (1394)، رزاقی نصرآباد (1393) و اسحاقی و همکاران (1393) که اثر معنادار اشتغال بر کاهش باروری را نشان داده‌اند، همسو و هماهنگ است.

رابطه متغیرهای جمعیت شناختی همچون طبقه اقتصادی اجتماعی، درآمد، شغل و تحصیلات با نگرش به فرزندآوری را می‌توان این‌چنین تبیین کرد که: افزایش ناامنی اقتصادی و شغلی، نگرانی از ریسک‌های اجتماعی و تلاش خانواده‌ها برای ساختن زندگی مرفه‌تر از مسائل و جنبه‌های مهم زندگی زوجین امروزی است و راه حل انتخابی اولیه، تاخیر در فرزندآوری و کاهش تعداد فرزندان بوده است. زندگی مدرن امروزی، افزایش نیازهای مادی و اجتماعی افراد را باعث شده و تمایل به فردگرایی، ارتقای سطح زندگی و داشتن رفاه بیشتر، با داشتن فرزند زیاد سازگاری ندارد. این ارزش‌های فرهنگی از راه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، در عرصه جهانی از جمله کشورهای در حال توسعه انتشار می‌یابند و به واسطه آن نوعی آگاهی جهانی در خصوص سبک زندگی نوین ایجاد می‌شود. براین اساس می‌توان پیش‌بینی کرد، زمانی که افراد به ویژه جوانان احساس کنند که با حضور فرزند، هویت و فردیت و آرزوها و امیال شخصی به خطر می‌افتد، گرایش به فرزندآوری در آنان کاهش می‌یابد و نگرش مثبتی به آن نخواهند داشت.

از سوی دیگر سطح تحصیلات و مدت زمان بالای حضور زوجین خصوصاً زنان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، همراه با مشکلات انجام همزمان نقش دانشجویی و والدگری، تاثیر مستقیمی بر زمان فرزندآوری داشته است. علاوه بر این تحصیلات، منجر به یادگیری ایده‌ها و شیوه‌های جدید زندگی شده است. زوجین با دسترسی گسترده به انواعی از شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ارتباطی، در معرض ایده‌ها و الگوهای رفتارهای نوین قرار گرفته که موجب افزایش استقلال در تصمیم‌گیری آنان می‌شود. در واقع تحصیلات از طریق افزایش فرصت‌های شغلی و ایجاد چشم‌انداز مساعد برای دستیابی به ورود به بازار کار و در نتیجه فراهمی نقش‌های جایگزین برای زنان، نقش مهمی در نگرش و تمایل به فرزندآوری ایفا می‌کند. نتایج پژوهش موسوی و همکاران (1392) نیز نشان داده است که زوجین با افزایش تحصیلات و به جهت استفاده بهینه از وقت و افزایش ثروت، فرزندآوری را مانع اهداف خود می‌بینند. در حالی که در طبقات تحصیلی پایین‌تر نگرش منفی به فرزندآوری کاهش می‌یابد. به طور کلی می‌توان به این نکته اشاره کرد که دغدغه‌های والدین در مسائل اقتصادی، رفاهی و محدودیت‌هایی که فرزندآوری ایجاد می‌کند، موجب نگرش منفی به فرزندآوری و تاخیر در آن می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک زندگی اسلامی و مولفه‌های روشنفکری منفی، دنیاخواهی، نوع دوستی و گنهکاری، به خوبی می‌توانند نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری را تبیین کنند. این یافته‌ها در راستای یافته‌های پژوهش کلانتری و دیگران (1389)، عنایت و پرنیان (1392)، اسحاقی و همکاران (1393)، جوکار (1393)، پژهان و کمالی-ها (1393)، پیلتن و رحمانیان (1394)، مدیری و رزاقی نصرآباد (1394)، اجاقلو و همکاران (1394)، رضانی (1395)، رسول‌زاده اقدم (1395)، نفیسی و همکاران (1396)، مورتی (2002)، هیفورد و همکاران (2008) و لوند (2014) که نقش باورهای دینی، دینداری و مذهب را در تمایل و نگرش به فرزندآوری نشان داده‌اند، می‌باشد.

در تبیین این یافته پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که: سبک زندگی مدرن (غربی) که بر پایه اعتقاد به انسان محوری بنا شده، می‌کوشد این برداشت را در ذهن ایجاد کند که برای خوشبختی و لذت بردن بیشتر از زندگی، باید تعداد اعضای خانواده را محدود کرد و این کار با کنترل گرایش به فرزندآوری و کاهش زاد و ولد محقق می‌شود. بنابراین تأثیر مدرنیته و نفوذ سبک زندگی مدرن در لایه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، از عوامل مهم کاهش گرایش به

باروری و فرزندآوری در کشور به شمار می‌آید. تحت تأثیر این روشنفکری‌های منفی، افراد بیشتر به دنبال آزادی و استقلال و پیشرفت خود در عرصه‌های گوناگون هستند و داشتن فرزند زیاد را مانعی بر سر راه تحقق پیشرفت فردی تلقی می‌کنند. در چنین شرایطی، هرگونه نگرش به فرزندآوری بر مبنای احتساب سود و زیان مترتب بر آن انجام می‌گیرد. در این میان راحتی فردی قوی‌ترین رابطه را با نگرش به فرزندآوری دارد و چنانچه افراد احساس کنند که با تولد فرزند، منافع فردی و مصلحت شخصی آنان به خطر می‌افتد، از اقدام به آن صرف نظر خواهند کرد. در سبک زندگی دنیاگرایانه نوع نگاه به گونه‌ای است که هنگامی فرزند برای دنیاخواهان و دنیاگرایان، نان و نام به همراه داشت باشد و مانع بهره‌وری دنیایی و باعث فقر نباشد، مطلوب بوده و نگرش مثبتی به آن جود دارد.

در مقابل و از سوی دیگر، سبک زندگی اسلامی، با مداخله در بینش افراد به آنها کمک می‌کند که در زندگی، به رضایت الهی توجه داشته باشند. در این نوع سبک زندگی، هدف غایی نیل به رضایت الهی است و فرد با عمل بر طبق آموزه‌های اسلام، به این هدف دست می‌یابد. زمانی که فرد در انجام هر یک از وظایف زندگی خودآگاه باشد که عمل او مقدمه‌ای برای نیل به هدف غایی حیات است، انجام وظایف شغلی، خانوادگی و سایر وظایف زندگی برای او احساس رضایت شخصی به ارمغان می‌آورد. در این میان وجود باورهای خاص مذهبی، نظامی از ارزش‌ها و هنجارها را در زمینه سن ازدواج و فرزندآوری تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب افزایش نگرش مثبت به باروری در بین خانواده‌ها می‌شود (راد و ثوابی، 1394). به عبارت دیگر علت اینکه افراد مذهبی تعداد بیشتری فرزند نسبت به افراد غیرمذهبی دارند می‌تواند ناشی از این باشد که اعتقادات مذهبی، احساس راحتی، قدرت و امید به آینده در افراد ایجاد می‌کند و موجب نگرش مثبت به فرزندآوری می‌گردد.

در همین زمینه تحقیقات تجربی پژوهان و کمالی‌ها (1394) در تهران نیز نشان داد که اعتقادات مذهبی ارتباط مستقیم معناداری با باروری دارد و با افزایش اعتقادات مذهبی باروری نیز افزایش می‌یابد. پیلتن و رحمانیان (1394) نیز در مطالعه‌ی خود گزارش کرده‌اند بعد دین‌داری بر تمایل به فرزندآوری تأثیر مستقیمی دارد و مطالعه‌ی هیفورد و همکاران (2008) و پژوهش لوند (2014) مشخص کرد زنانی که دین در زندگی آنان نقش بسیار مهمی دارد، به طور متوسط تعداد بیشتری فرزند (0/69) نسبت به بقیه‌ی زنان دارند. نتایج پژوهش کلانتری و دیگران (1389) نیز با بررسی مدل ساختاری متغیرهای مرتبط با فرزندآوری نشان داد که دینداری افراد بیشترین اثر مستقیم و کلی را بر نگرش مثبت به فرزندآوری داشته است.

رویکردهای نظری اظهار می‌دارند که سبک زندگی اسلامی افراد به دو طریق مستقیم و غیرمستقیم بر نگرش به فرزندآوری اثر می‌گذارد. تأثیر مستقیم، هنجارها، قوانین و آموزه‌های اسلامی است که به طور خاص در خصوص باروری و تعداد فرزندان وجود دارد. از سوی دیگر ممکن است افراد در گروه‌های مذهبی و در موقعیت اقتصادی اجتماعی متفاوتی قرار بگیرند و متأثر از این شرایط، رفتار جمعیتی متفاوتی نیز داشته باشند. در واقع اثر غیر مستقیم، از تعامل مذهب با سایر عواملی که بر فرزندآوری اثر می‌گذارد ناشی می‌شود.

برخلاف مکتب فمینیسم که فرزندآوری را باری بر دوش زنان دانسته، آن را مایه ستم به آنان می‌شمارد، نگاه اسلام توأم با ارزش و احترام است و فرزندآوری ارزش‌های مادی و معنوی فراوانی دارد. در سبک زندگی اسلامی، فرزندآوری نه تنها قید و بندی بر سرراه آزادی زنان نخواهد بود، بلکه خود کلیدی برای آزادی معنوی و وسیله‌ای برای ارتقا و تعالی حقیقی فرد است که خداوند یکتا آن را در انحصار زنان قرار داده است (بستان، 1382). نگاه اسلام به فرزندآوری، بدین گونه است که هم لذت، سود و منفعت دنیایی برای والدین مورد تأکید قرار گرفته و هم پاداش اخروی و معنوی را به مومنان نوید می‌دهد. براین اساس در دیدگاه اسلام در فرزندآوری، نه صرف سود و زیان مادی‌گرایانه مطرح است؛ نه از محاسبات غیر عقلانی راهبان و دنیاگرایان.

به صورت کلی بررسی آیات و روایات اسلامی نشان می‌دهد که به طور عموم نظر اسلام نسبت به مسأله فرزندآوری مثبت است و داشتن فرزند بیشتر، زندگی بهتری را برای خانواده و جامعه رقم می‌زند. در آیات و روایات فراوانی از فرزند با تعبیرهایی همچون مایه امید، نور چشم، نعمت الهی، باعث آسودگی خاطر و شادی، هدیه الهی، میوه دل، عامل خوشبختی، یاری کننده، عامل ثواب و پاداش اخروی و نیز رحمت و غفران الهی، باعث خیر و برکت در خانه، باعث قوت قلب و شکفتگی، نداشتن فرزند و دوری از او سبب غم و ناامیدی و اضطراب بیان شده است. چنین رویکردی موجب ایجاد نگرش‌ها و رفتارهای مثبت زوجین، در قالب سبک زندگی اسلامی نسبت به فرزندآوری می‌شود و نقش هدایت‌گر و تعیین‌کننده خود را در نگرش به فرزندآوری ایفا می‌نماید.

نتایج پژوهش حاضر علاوه بر توسعه و گسترش ادبیات علمی موجود درباره نگرش‌های مربوط به فرزندآوری، دارای تلویحات کاربردی جهت اصلاح و پیشرفت برنامه‌های آموزشی و سیاست‌گذاری جمعیت‌شناختی نیز است. در این زمینه میتوان با شناسایی باورهای روشنفکرانه منفی، توجه بیشتر به سازه سبک زندگی اسلامی و دینداری افراد، بر تقویت باورهای مذهبی جوانان متمرکز شد و بر تدوین برنامه‌های آموزشی برای زوجین و اصلاح الگوهای زندگی آنها جهت پیشگیری و کاهش عوامل زمینه‌ساز نگرش‌های منفی نسبت به فرزندآوری تاکید کرد.

از جمله محدودیت‌هایی این پژوهش می‌توان به نوع نمونه که فقط دانشجویان و طلاب شهر قم بودند اشاره نمود بنابراین لازم است در تعمیم نتایج به غیر دانشجویان و طلاب جوانب احتیاط رعایت شود.

#### منابع:

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- اسحاقی، محمد؛ محبی، سیده فاطمه؛ پاپی‌نژاد، شهربانو و جهاندار، زینب (1393). *چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی*، زن در توسعه و سیاست، دوره 12، شماره 1، ص 111-134
- ایمان، محمدتقی و مرحمتی، ندا (1393). *رابطه بین جامعه‌شناسی گرایش جوانان به سبک زندگی مدرن در شهر شیراز، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، شماره 3، ص 1-20*.
- برنارد، اسپادک (1396). *آموزش دوران کودکی*، ترجمه محمد حسین نظری‌نژاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- بستان، حسین (1382). *کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم*، مجله حوزه و دانشگاه، سال نهم، شماره 35، ص 35-45
- بستان، حسین (1390). *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بشیری، ابوالقاسم (1388). *اشتغال زوجین، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)*.
- پاینده، ابوالقاسم (1382). *نهج الفصاحه*، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول، تهران: دنیای دانش.
- پناهی، علی احمد (1394). *نگاهی به فواید و آثار فرزندآوری و فرزندپروری در آموزه‌های دینی با رویکردی اخلاقی*، فصلنامه اخلاق، سال ششم، شماره 21، ص 33-63.
- حرعاملی، محمدبن الحسن (1409ق). *وسایل الشیعه*، ج 15 و 16 و 17 و 20 و 21، قم: موسسه آل البیت.

حسینی چاووشی، میمنت؛ عباسی شوازی، محمد جلال و رازقی نصرآباد، حجیه بی بی (1395). تحولات باروری و فرزندآوری در ایران، گزارش تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران، موسسه موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

رازقی نصرآبادی، حجیه بی بی (1395). چگونگی تأثیرگذاری تحصیلات زنان بر تأخیر در فرزندآوری: نتایج یک مطالعه کیفی در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران، فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره 20، ص 167-190.

رازقی نصرآباد حجیه بی بی و سرایی، حسن (1393). تحلیل کوهورتی نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان، زن در توسعه و سیاست، دوره 12، شماره 2، ص 229-250.

رسول‌زاده‌ا قدم، صمد؛ افشار، سیمین؛ عدلی‌پور، صمد و میرمحمدتبار، سید احمد (1395). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره 20، ص 107-135.

رمضانی، فاطمه (1395). فرزندخواهی در سبک‌های زندگی دنیاگرایانه، دنیاگرایانه و اسلامی، پژوهش‌های علوم اجتماعی، شماره 109، ص 55-74.

ساعی قره‌ناز، مرضیه؛ ازگلی، گیتی؛ حاجی‌زاده، فهیمه؛ شیخان، زهره؛ نصیری، ملیحه و جان‌نثاری، شراره (1395). ارتباط جهت‌گیری مذهبی با قصد فرزندآوری و تعداد فرزندان موجود و مطلوب، از نظر زنان شاغل در مراکز منتخب شهر تهران، پژوهش در دین و سلامت، شماره 9، ص 83-90.

سروش، مریم و بحرانی، شعله (1392). رابطه دینداری، نگرش به نقش‌های جنسیتی و نگرش به فرزند با تعداد واقعی و ایده‌آل فرزند، زن در توسعه و سیاست، شماره 41، ص 189-208.

شریفی، احمدحسین (1391). سبک زندگی به عنوان شاخص برای ارزیابی سطح ایمان، مجله معرفت، س 3، ش 11.

طاووسی، محمود؛ حائری مهریزی، علی اصغر؛ مطلق، محمد اسماعیل؛ اسلامی، محمد؛ نقی‌زاده، فاطمه؛ عنبری، مهدی؛ هاشمی، اکرم و منتظری، علی (1396). تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن در ایران: یک مطالعه ملی، نشریه علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، سال شانزدهم، شماره 4، ص 401-410.

طباطبائی، سید محمد حسین (1417). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج 4، قم: انتشارات جامعه المدرسین حوزه علمیه قم.

عباسی شوازی، محمد جلال و علی‌مندگاری، ملیحه (1389). تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آنها در ایران، پژوهش زنان، دوره هشتم، شماره 1، ص 32-51.

عباسی شوازی، محمد جلال و حسینی چاووشی، میمنت (1392). روند و سطح باروری طی چهار دهه اخیر در ایران: کاربرد روش فرزندان خود در برآورد باروری در سرشماری‌های 1365 و 1390، گزارش تحقیقاتی پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران.

عباسی شوازی، محمد جلال و خواجه صالحی، زهره (1392). سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)، زن در توسعه و سیاست، دوره 11، شماره 1، ص 45-64.

عنایت، حلیمه و پرنیان، لیلا (1392). مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری، زن و جامعه، سال چهارم 4، شماره 2، ص 109-136.

قدرتی، حسین؛ بوستانی، داریوش؛ قدرتی، اکرم و کلالی، احمد (1392). بررسی رابطه برابری جنسیتی در خانواده و باروری زنان مطالعه موردی: زنان متأهل 20 تا 40 ساله شهر سبزوار، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره 11، ص 75-91.

کاظمی، ابوالفضل؛ شاهمرادی، سیده فاطمه و مهدوی، ملیحه سادات (1393). آثار فرزندآوری با تأکید آیات و روایات در سبک زندگی اسلامی، سال یکم، شماره 1، ص 71-94.

کاوه فیروز، زینب؛ زارع، بیژن و شمس الدینی، حسین (1395). تأثیر مولفه‌های سبک زندگی بر نگرش به فرزندآوری (مطالعه موردی زنان درآستانه ازدواج شهر تهران)، زن در توسعه و سیاست، دوره 14، ش 12، تابستان 1395، ص 217-234.

کاویانی آرانی، محمد (1388). نظریه سبک زندگی بر اساس دیدگاه اسلام و طراحی آزمون سبک زندگی اسلامی و ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی آن. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان.

کاویانی آرانی، محمد (1391). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کلانتری، صمد؛ عباس‌زاده، محمد (1389). بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه جوانان متأهل شهر تبریز)، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره 37، ص 83-104.

کهریزی، مهوش؛ حسینی‌زاده، سیدعلی و بستان، حسین (1393). چالش‌های اخلاقی فمینیسم در فرزندآوری از دیدگاه اسلام و راهکارهای آن، پژوهش‌نامه اخلاق، سال هفتم، شماره 24، ص 7-24.

متقی، علی‌بن‌حسام الدین (1409ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج 16، بیروت: موسسه الرساله.

مجلسی، محمدباقر (1403). بحار الانوار، ج 10 و 36 و 42 و 43 و 67 و 100 و 104، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مدیری، فاطمه و رازقی نصرآبادی، حجیه بی‌بی (1394). بررسی رابطه دینداری و قصد باروری در شهر تهران، فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال 10، شماره 20، ص 127-162.

مهدی‌زاده، حمید؛ بوالهری، جعفر و کاویانی آرانی، محمد (1396). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون سبک زندگی اسلامی در نوجوانان دبیرستانی، مطالعات اسلام و روانشناسی، دوره 11، شماره 21، ص 7-34.

نفیسی، نوید؛ ضرغامی، حسین و شیری، محمد (1393). بررسی تمایل به فرزندآوری در آستانه ازدواج و برخی عوامل مرتبط با آن در ایران، فصلنامه جمعیت، شماره 91 و 92، ص

نوری طبرسی (1408ق). مستدرک الوسائل، ج 5، بیروت: موسسه آل‌البیت لإحياء التراث.

Bühler C, Philipov D. (2005). Social capital related to fertility: Theoretical foundations and empirical evidence from Bulgaria. Vienna yearbook of population research, Rostock and Vienna

Erfani A, Malhotra A, Warner A, McGonagle A, Lee-Rife S, Duvvury N, et al .(2012) The Impact of Family Planning on Women's Educational Advancement in Tehran, Iran; ICRWFE, P:1-27.

Hayford SR, Morgan SP (2008). Religiosity and fertility in the United States: The role of fertility intentions. *Social Forces*, 86(3):1163-88.

Hosseini H, Bagi B. (2012) women's autonomy and fertility ideals among kurdish women in the city of mahabad. *Woman in Development and Politics (Women's Research)*; 10: 57-78

Hosseini H, Torabi F, Bagi B (2014). Demand for longacting and permanent contraceptive methods among kurdish women in mahabad, iran. *Journal of Biosocial Science*; 46: 772-785.

Hosseinzadeh A, Nouh-najah S, Sharifi M(2011). The pattern of reproductive age for marriage and family planning methods among different ethnic groups in the city of Ahvaz in 1388. *Quarterly Journal of Social Sciences, Islamic Azad University Branch*,4(8): 96 – 67

Lund EM (2014). *Be Ye Fruitful and Multiply: Does Religious Activation Increase Reproductive Desire?*Theses and Dissertations- Psychology, P:52.

Mahmudian H., Nobakht, R(2007). Religion and fertility : reproductive behavior Sunni and hia religious groups rancher turned in Fars province. *Social Problems of Iran*, 1(1): 198-215

Norris P, and R, Inglehart (2004). *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide* (Cambridge Studies in Social Theory, Religion and Politics), Cambridge: Cambridge University Press.

Ojaglu S, Saraee H (2014). The study temporal variation of the value of children in Iran. *Social Studies and Research*, 3 (2): 263-81

Pejhan A, Kamaliha A (2015). The impact of cultural factors on fertility 49-15 years old District 12 of Tehran. *Community Cultural Studies* , Institute for Humanities and Cultural Studies, 6(2): 137-15.

Pilten F, Rahmanian M (2015). Sociological Study of Factors Affecting Willingness to childbearing women and married men. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 7(2): 122-34

Rad F, Savabi H (2015). Attitudes and social factors related to fertility. *Women and Family Studies*, 3(11): 12-155

Sandra, H (2014). *The Impact of Religiosity on Fertility; a Comparative Analysis of France, Norway, and Germany*, Springer.

Thornton, A, W. Axinn, G. Hil, H. Daniel (1992). "Reciprocal Effects of Religiosity, Cohabitation, and Marriage". *American Journal of Sociology*, 98(3):628–651.